

**Analyzing The Components Of Effective Professors In
Teacher Education With A Grounded Theory Approach**

Mohammad Soleimannejad*¹

1. **Corresponding author**, Department of Social Sciences Education, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: msdt59@yahoo.com

ABSTRACT

Keywords:

Effective
Professors
Professional
Competencies
Learning
Environments
Teacher
Education System
Grounded Theory
1 . Corresponding
author
msdt59@yahoo.com

Background and Objectives: Teachers play a pivotal role in enhancing the teaching and learning processes for student-teachers within teacher education systems. This study aimed to identify and analyze the components of effective teaching faculty in teacher education systems and their impact on improving the professional competencies of student-teachers. **Methods:** This qualitative study employed a grounded theory approach. Data were collected from the experiences of 27 student-teachers across teacher education campuses in Alborz Province during the academic year 1403. The data analysis was conducted using MAXQDA 24 software and involved a three-stage coding process: open, axial, and selective coding. Ultimately, 124 initial codes were organized into 18 main categories. **Findings:** The results revealed that faculty effectiveness is influenced by three main categories of factors. Causal factors include personal traits, academic mastery, teaching skills, and classroom management. Contextual factors emphasize positive interactions with student-teachers, understanding their needs, and Cognitive and Affective Aspects of Learning. Intervening factors, such as innovative teaching methods, constructive feedback, and faculty accountability, also play significant roles. Effective faculty members design educational programs based on student-teachers' needs, foster learning motivation, and empower them, thereby facilitating the enhancement of professional competencies and preparing student-teachers for their future roles as educators. **Conclusion:** The central theme of the study was identified as "Comprehensive and Empowering Instruction." A conceptual model for improving faculty teaching practices was developed, offering valuable insights for designing teacher education programs and promoting effective educational quality.

ISSN (Online): [2717-2651](https://doi.org/10.48310/rsse.2025.19977.1280) DOI:10.48310/rsse.2025.19977.1280

Received: 2025.07.02 Reviewed: 2025.08.30 Accepted: 2025.09.03 PP: 32

Citation: Mohammad Soleimannejad (2026): Analyzing the Components of Effective Professors in Teacher Education with a Grounded Theory Approach *The Journal of Research social studies education* , 8(1), 1-32.

 <https://doi.org/10.48310/rsse.2025.19977.1280>



تحلیل و ارائه مؤلفه‌های استاد اثربخش در تربیت معلمان

با رویکرد گراند تئوری

محمد سلیمان نژاد*

۱. نویسنده مسئول، گروه آموزشی علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

رایانامه: msdt59@yahoo.com

چکیده

پیشینه و اهداف: در نظام آموزش معلمان، استادان نقش محوری در فرایند تربیت و توانمندسازی دانشجومعلمان ایفا می‌کنند. این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های استاد اثربخش در تربیت معلمان و تأثیر آن‌ها بر ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای دانشجومعلمان، انجام شده است. **روش‌ها:** این پژوهش از نوع کیفی بوده و با رویکرد نظریه زمینه‌ای انجام شد. داده‌ها از تجارب ۲۷ دانشجومعلم در پردیس‌های استان البرز در سال تحصیلی ۱۴۰۳ جمع‌آوری شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA 24 استفاده گردید و فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی به کار گرفته شد. در نهایت ۱۲۴ کد اولیه در قالب ۱۸ مقوله اصلی سازمان‌دهی گردید. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که اثربخشی استادان به سه دسته عوامل اصلی وابسته است: عوامل علّی شامل ویژگی‌های شخصیتی، تسلط علمی، مهارت‌های تدریس و مدیریت کلاس است. عوامل زمینه‌ای به تعامل مثبت با دانشجومعلمان، شناخت نیازهای آنان و ابعاد روانشناختی یادگیری، پویا اشاره دارد. همچنین، عوامل مداخله‌گر نظیر نوآوری در روش‌های تدریس، ارائه بازخورد سازنده و مسئولیت‌پذیری استادان نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. استادان اثربخش با طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر نیازهای دانشجومعلمان، ایجاد انگیزه در یادگیری و توانمندسازی آنان، زمینه را برای ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای و آماده‌سازی دانشجومعلمان برای ورود به حرفه معلمی فراهم می‌کنند. **نتیجه‌گیری:** مقوله مرکزی پژوهش تحت عنوان «تدریس همه‌جانبه و توانمندساز» شناسایی شد که مدلی مفهومی برای ارتقای عملکرد استادان در فرایند تربیت معلمان ارائه می‌دهد که

DOI:10.48310/rsse.20
25.19977.1280

واژه‌های کلیدی:

استادان اثربخش
شایستگی‌های حرفه‌ای
محیط‌های یادگیری
نظام آموزش معلمان
نظریه زمینه‌ای

۱. نویسنده مسئول:

محمد سلیمان نژاد :
msdt59@yahoo.com

می‌تواند در طراحی برنامه‌های تربیت معلم و بهبود کیفیت آموزشی اثربخش باشد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

شماره صفحات: ۳۲

مقدمه

در دهه‌های اخیر، بهبود کیفیت تدریس و یادگیری^۱ در آموزش عالی به یکی از موضوعات اساسی و مهم در جوامع علمی تبدیل شده است. در این میان، دانشگاه فرهنگیان به عنوان نهاد تربیت معلمان، نقش اساسی در پرورش نیروی انسانی متخصص برای نظام آموزش و پرورش ایفا می‌کند. بنابراین کیفیت تدریس استادان این دانشگاه مستقیماً بر توانمندی‌ها و نتایج یادگیری دانشجو معلمان تأثیر می‌گذارد (Desimone & Garet, 2015). از این‌رو، شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های اثربخشی تدریس^۲ استادان این دانشگاه نه تنها به عنوان معیاری برای سنجش کیفیت فرآیند یاددهی-یادگیری^۳، بلکه عاملی مهم در توسعه حرفه‌ای استادان^۴ و بهبود نتایج آموزشی دانشجو معلمان مورد توجه قرار دارد.

1 - Teaching and Learning Quality

2 - Teaching Effectiveness

3 - Teaching-Learning Process

4 - Professional Development of Faculty

اثربخشی تدریس مفهومی چندبعدی است که شامل عواملی مانند توانایی استادان در برقراری ارتباط مؤثر با دانشجویان، بهره‌گیری از شیوه‌های نوین تدریس و پاسخ به نیازهای متنوع یادگیری آنان می‌شود. با این حال، یکی از چالش‌های اصلی در تحلیل اثربخشی تدریس، فقدان توافق عمومی در خصوص روش‌ها و شاخص‌های مؤثر در این فرایند است. (Ko & Sammons, 2014) اثربخشی تدریس به معنای تأثیر مثبت فعالیت‌های آموزشی استادان بر یادگیری دانشجویان است که این تأثیر می‌تواند شامل پیشرفت‌های شناختی، مهارتی و نگرشی باشد (Hattie, 2008). بر اساس پژوهش‌های اخیر، کیفیت تدریس زمانی ارتقا می‌یابد که استادان از طریق توسعه حرفه‌ای مستمر، به تبادل تجارب آموزشی، بازتاب تدریس و به‌کارگیری بازخوردهای همکاران بپردازند (Gore et al., 2021).

مهارت‌های تدریس اثربخش معمولاً به سه مرحله اصلی تقسیم می‌شوند: پیش از اجرا (طراحی درس و برنامه‌ریزی)، حین اجرا (فنون ارتباطی و مدیریت کلاس)، و پس از اجرا (ارزیابی و بازخورد). این مراحل به استادان کمک می‌کند تا فرآیند یادگیری را بهینه کرده و اهداف آموزشی را محقق سازند. (Shabani, 2024)

تدریس اثربخش به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و ویژگی‌ها اطلاق می‌شود که به تحقق اهداف آموزشی و ارتقای کیفیت یادگیری دانشجویان منجر می‌شود. اگرچه عوامل مختلفی مانند رفتار دانشجویان، منابع فیزیکی، انگیزه یادگیری، محتوای برنامه درسی و محیط آموزشی بر فرآیند یادگیری تأثیرگذار هستند، اما پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کیفیت تدریس استادان یکی از مهم‌ترین عوامل در پیشرفت تحصیلی دانشجویان است. این امر بر نقش محوری تدریس اثربخش استادان را در نظام‌های آموزشی تأکید دارد (Asadi & Gholami, 2016).

انتخاب روش‌های تدریس مبتنی بر مؤلفه‌های اثربخش، یکی از عوامل کلیدی در افزایش اثربخشی تدریس است که به دانشجویان کمک می‌کند مفاهیم پیچیده را بهتر درک کنند و به یادگیری فعال بپردازند. تحقیقات مختلف نشان می‌دهند که استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر فعالیت‌های عملی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه^۱ و تدریس معکوس^۲ می‌تواند تأثیر قابل توجهی در بهبود نتایج تحصیلی دانشجویان داشته باشد (Bergmann & Sams, 2012; Freeman et al., 2014). همچنین، توانایی استادان در ایجاد محیط‌های تعاملی و مشارکتی که در آن دانشجویان بتوانند نظرات و سوالات خود را به اشتراک بگذارند، از دیگر عوامل مؤثر بر اثربخشی تدریس است. (Freeman et al., 2014) در این راستا، ارزیابی‌های مستمر و ارائه

1 -Project-Based Learning

2 - Flipped Teaching

بازخوردهای مناسب به دانشجویان می‌تواند به تقویت انگیزه‌های آنان و بهبود کیفیت یادگیری‌شان کمک کند (Sadler, 1989).

تدریس بازتابی^۱ یکی از رویکردهای مؤثر در ارتقای اثربخشی تدریس است که به استادان کمک می‌کند با خودارزیابی مستمر، تحلیل انتقادی عملکرد خود و دریافت بازخورد از دیگران، اثربخشی تدریس خود را بهبود بخشند. (Farrell, 2013) استادانی که از شیوه‌های تدریس فعال و متنوع استفاده می‌کنند، می‌توانند انگیزه و مشارکت دانشجویان را افزایش دهند و یادگیری مؤثرتری را تسهیل کنند (Hattie, 2008).

در کنار روش‌های تدریس، استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی^۲ نیز تأثیر زیادی بر اثربخشی تدریس دارد. ابزارهای دیجیتال و پلتفرم‌های آنلاین می‌توانند تعاملات میان استاد و دانشجو را جذاب‌تر کرده و تجربه یادگیری را مؤثرتر سازند. (Bates, 2015) این ابزارها فرصت‌های بیشتری برای تعامل فعال دانشجویان فراهم کرده و به تقویت یادگیری گروهی و مشارکتی کمک می‌کنند (Laurillard, 2013). روش‌های تدریس مانند آموزش مبتنی بر مسئله^۳ و آموزش مبتنی بر پروژه به‌طور چشمگیری به تقویت مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی دانشجویان کمک می‌کنند. (Barrows, 2000; Thomas, 2000) تدریس معکوس نیز باعث بهینه‌سازی زمان تدریس می‌شود، چرا که دانشجویان پیش از کلاس محتوای درسی را مطالعه کرده و در کلاس زمان بیشتری را به فعالیت‌های تعاملی می‌پردازند (Bergmann & Sams, 2012).

ایجاد ارتباطات مثبت و حمایتی میان استاد و دانشجو از دیگر عوامل کلیدی در اثربخشی تدریس است. این ارتباطات می‌توانند اعتمادبه‌نفس دانشجویان را افزایش داده و کیفیت یادگیری آنان را بهبود بخشند (Niemi & Nevgi, 2014). همچنین، توسعه حرفه‌ای استادان و به‌روزرسانی مهارت‌های تدریس آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. تحقیقات نشان داده‌اند که برنامه‌های حرفه‌ای طراحی شده برای تقویت توانمندی‌های تدریس استادان، کیفیت آموزشی را ارتقا می‌دهد (Desimone & Garet, 2015).

باتوجه به تحولات سریع در رویکردهای نوین آموزش معلمان و ضرورت بازتعریف نقش استادان در تربیت نسل جدید معلمان یادگیرنده، بررسی مؤلفه‌های استاد اثربخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در همین راستا، این پژوهش با هدف تحلیل و ارائه مؤلفه‌های استاد

1 - Reflective Teaching

2 - Modern Educational Technologies

3 - Problem-Based Learning

اثربخش در تربیت معلمان با رویکرد گراند تئوری انجام شده است تا با تبیین ابعاد مختلف اثربخشی تدریس استادان، الگویی مفهومی و بومی برای ارتقای کیفیت آموزش در نظام تربیت معلم کشور فراهم آورد. چنین پژوهش‌هایی می‌توانند به سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی کمک کنند تا با شناسایی راهکارهای بهبود اثربخشی تدریس، کیفیت نظام آموزش معلمان را ارتقا داده و شرایط بهتری برای پرورش نیروی انسانی متخصص فراهم کنند.

مفاهیم نظری و پیشینه پژوهش

از آنجایی که اعضای هیأت علمی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در پیشرفت و توسعه علمی دانشگاه فرهنگیان به شمار می‌روند، عملکرد اثربخش آنان می‌تواند به ارتقای فناوری، رشد حرفه‌ای دانشجومعلمان و بهبود کیفیت نظام آموزشی کشور منجر شود؛ در حالی که عملکرد ضعیف یا ناکارآمد آن‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز افت علمی و بروز بحران‌های اجتماعی و فرهنگی در نظام تعلیم و تربیت باشد (Mahmodi, Nasei, & Gholiniya, 2013).

باتوجه به نقش کلیدی اعضای هیأت علمی در ارتقای کیفیت فرآیند آموزش، به‌ویژه در نظام تربیت معلم، شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مرتبط با تدریس اثربخش، امری ضروری به نظر می‌رسد. در این زمینه، چارچوب‌های نظری متعددی توسط پژوهشگران ارائه شده‌اند که هر یک تلاش دارند ابعاد و عناصر مؤثر بر تدریس موفق را تبیین کنند. یکی از چارچوب‌های نظری شناخته‌شده، الگوی «رشد‌ها» است که بر پایه دیدگاه‌های فنسترمچر و سولتیس^۱ شکل گرفته است. در این الگو، تدریس اثربخش شامل پنج عنصر کلیدی است که واژه «رشد‌ها» مخفف آن‌هاست: روش تدریس، شناخت از شاگردان، دانش محتوا، هدف‌های آموزشی، و ارتباطات میان استاد و فراگیران. این مؤلفه‌ها به‌عنوان ارکان بنیادین تدریس مؤثر، بسته به موقعیت و زمینه آموزشی، می‌توانند با شدت و اولویت متفاوتی بروز یابند (Fenstermacher & Soltis, 2004).

پژوهش‌های تجربی انجام شده داخلی و خارجی که موضوع مؤلفه‌های استاد اثربخش در نظام آموزش معلمان را مورد بررسی قرار داده‌اند در این بخش ارائه و مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند: مهرآرا و همکاران (Mehrra et al., 2024) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و تبیین ابعاد مدل شایستگی‌های ضروری برای اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های فرهنگیان تهران» به بررسی شایستگی‌های ضروری برای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های فرهنگیان پرداخته و پنج بعد شایستگی شامل اخلاقی، علمی، پژوهشی، ارتباطی و فناوری اطلاعات را شناسایی کردند. این

1 - Fenstermacher & Soltis

شایستگی‌ها شامل مهارت‌هایی مانند تمامیت فردی، تخصص آموزشی، مهارت‌های پژوهشی و تسلط بر فناوری است که به ارتقای عملکرد هیئت‌علمی و نتایج یادگیری دانشجویان کمک می‌کند.

مصلحی و داوری (Moslahi & Davari, 2022) در پژوهشی به «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های تدریس اثربخش استادان رشته تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان» پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که شاخص‌های مؤثر بر تدریس اثربخش در شش مقوله اصلی شامل مهارت‌های آموزشی، تجربه، مهارت‌های ارتباطی، ویژگی‌های شخصیتی، رعایت قوانین و اصول آموزشی و ارزشیابی قابل بررسی هستند. اولویت‌بندی این شاخص‌ها نشان داد که از دیدگاه دانشجویان، مهارت‌های ارتباطی استاد بالاترین اولویت را دارد.

حمیدی‌زاده (Hamidizadeh, 2022) در پژوهشی با عنوان «واکاوی رضایت‌مندی تحصیلی دانشجو-معلمان از دانشگاه فرهنگیان: یک مطالعه آمیخته» به بررسی جنبه‌های مختلف رضایت‌مندی تحصیلی پرداخته است. نتایج نشان داد رضایت‌مندی دانشجومعلمان به‌طور کلی در سطح متوسط بوده و تعامل مؤثر با مسئولین، کیفیت پایین تدریس برخی استادان و مشکلات زیرساختی را به‌عنوان عوامل مؤثر بر کاهش رضایت‌مندی معرفی کرده است. این پژوهش پیشنهاد می‌دهد که با ارتقای کیفیت برنامه‌ریزی درسی، تقویت تعاملات و بهبود روش‌های تدریس، می‌توان سطح رضایت‌مندی دانشجویان را افزایش داد.

تزنیوس (Tzenios, 2022) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد آموزش مبتنی بر یادگیرنده (LCT)» به تأکید بر مشارکت فعال دانش‌آموزان و تطبیق روش‌های تدریس با نیازها، سبک‌های یادگیری، مهارت‌ها و اهداف فردی آن‌ها پرداخته است. در این رویکرد معلم به‌عنوان هدایتگر فرآیند یادگیری عمل کرده و بر اهمیت مشارکت فعال دانش‌آموزان و تطبیق روش‌های تدریس با نیازهای فردی آن‌ها تأکید دارد. این رویکرد بر توسعه مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر و افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری تأکید دارد.

حامدی‌نسب و جلیلی (Hamedinasab & Jalili, 2020) در پژوهشی با عنوان «واکاوی فرهنگ آموزش استادان در روایت‌های دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان، پردیس امام سجاد (ع) بیرجند» با رویکرد کیفی به بررسی فرهنگ آموزشی استادان دانشگاه فرهنگیان پرداختند و تنوع در روش‌های تدریس، مهارت‌های ارتباطی و مدیریت کلاس را در عملکرد مؤثر استادان تأثیرگذار دانستند. یافته‌ها نشان داد که استادان در روش‌های تدریس از جمله یادگیری

همکارانه و سخنرانی تنوع دارند و در مهارت‌های مدیریتی و اخلاق حرفه‌ای با چالش‌هایی مواجه هستند.

مکوندی (Makvandi, 2020) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش و تدریس در دانشگاه فرهنگیان از دیدگاه دانشجومعلم‌ان (مطالعه موردی: پردیس‌های استان خوزستان)»، پرداخته است. در این تحقیق، عواملی چون ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای استادان، مدیریت کلاس، برنامه‌ریزی درسی و ارزشیابی آموزشی، فضای فیزیکی دانشگاه و تعاملات آموزشی اهمیت بالایی در ارتقای کیفیت تدریس داشته‌اند.

صالحی‌زاده و همکاران (Salehizadeh et al., 2020) در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل مفهومی عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس حرفه‌ای استادان دانشگاه فرهنگیان با رویکرد مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد»، در پردیس‌های استان آذربایجان غربی انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش منجر به استخراج ده عامل مؤثر بر کیفیت تدریس حرفه‌ای استادان شد که عبارتند از: عوامل انگیزشی، اجتماعی، محیطی، اقتصادی، فرهنگی، فردی و شخصی، دانشگاهی و مدیریتی، علمی و آموزشی، تکنولوژیکی و بین‌المللی. همچنین، مقوله محوری این مطالعه، کیفیت تدریس استادان دانشگاه فرهنگیان بوده است که در نهایت به ارتقای کیفیت تدریس و نتایج آموزشی منجر می‌شود.

کیدوری و همکاران (Keidoori et al., 2019) در مطالعه‌ای با عنوان «ادراک دانشجویان از شایستگی‌های تدریس اعضای هیأت علمی: مطالعه‌ی موردی دانشگاه فردوسی مشهد» پرداخته و شش مقوله اصلی شامل مهارت‌های آموزشی، پژوهشی، ارتباطی، اخلاق حرفه‌ای، ویژگی‌های شخصیتی و مهارت مدیریت کلاس را شناسایی کردند. این پژوهش تأکید دارد که ارتقاء شایستگی‌های تدریس در این حوزه‌ها می‌تواند به بهبود فرآیند تدریس و نتایج آموزشی در دانشگاه‌ها کمک کند.

بادله و ساکی (Badleh & Saki, 2018) در پژوهشی با عنوان «دیدگاه‌های دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان درباره اخلاق آموزشی در محیط‌های علمی»، به بررسی نظرات دانشجومعلم‌ان درباره اخلاق آموزشی پرداخته‌اند. در این تحقیق بر اهمیت رعایت هنجارهای اخلاقی و پرورش فضائل اخلاقی در استادان به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر رفتارهای دانشجومعلم‌ان تأکید کردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رعایت اصول اخلاقی در تدریس، تعاملات صحیح و مسئولیت‌پذیری در محیط آموزشی می‌تواند به ایجاد فضایی مثبت و سازنده کمک کند.

خدیی و سید کلان (Khedive & Seyedkolan, 2018) پژوهشی با هدف «شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس در دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل» انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای استادان، مدیریت کلاس و عوامل درون‌ساختاری و برون‌ساختاری از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت تدریس به شمار می‌روند. این پژوهش بر لزوم توجه به ویژگی‌های فردی استادان و عوامل محیطی-سازمانی تأکید دارد.

هوشی‌السادات و همکاران (Hoshelsadat et al., 2018) در پژوهشی با عنوان «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه ارزیابی کیفیت عملکرد استادان دانشگاه فرهنگیان: رویکرد ۳۶۰ درجه»، به تحلیل اعتبار پرسشنامه‌ای برای ارزیابی عملکرد استادان دانشگاه فرهنگیان پرداخته‌اند. در این پژوهش از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است که بر اساس نتایج آن، پنج مؤلفه اصلی شامل اخلاق حرفه‌ای، التزام عملی، توانایی حرفه‌ای، توانایی علمی-آموزشی و مدیریت و رهبری کلاس برای ارزیابی عملکرد استادان شناسایی گردید.

جوکار و همکاران (Jokar et al., 2016) در پژوهشی با عنوان «آموزش اثربخش از دیدگاه استادان دانشگاه فرهنگیان فارس: یک مطالعه کیفی»، به بررسی و توصیف تجارب استادان دانشگاه فرهنگیان از عوامل و شرایط مؤثر بر آموزش اثربخش پرداخته‌اند. در این مطالعه از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که مقوله‌های اساسی آموزش اثربخش از دیدگاه استادان شامل: (۱) مهارت تدریس، (۲) خصوصیات آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده، (۳) ارتباط بین فردی و (۴) عوامل زمینه‌ای بوده‌اند و به مهارت تدریس استاد به عنوان مهم‌ترین عامل تأکید کردند. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد که تسلط بر محتوا و مهارت‌های ارتباطی با فراگیران از جمله عوامل کلیدی در تدریس اثربخش هستند.

میچل (Mitchell, 2014) در رساله دکتری خود با عنوان «عوامل ادراک‌شده تجربه تدریس باکیفیت برای دانشجومعلمان»، به بررسی ادراکات دانشجومعلمان و مدیران دانشگاه در خصوص چهار عاملی پرداخته است که به ایجاد تجربه تدریس باکیفیت برای دانشجومعلمان کمک می‌کنند: استادان، مدیر گروه، مرکز آموزشی و خود دانشجومعلم. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که استادان و مدیران گروه نقش محوری در فراهم آوردن شرایط لازم برای تدریس باکیفیت ایفا می‌کنند.

بارمان (Barman, 2013) در پژوهشی با عنوان «انتقال آموزش از پارادایم معلم‌محور به پارادایم یادگیرنده‌محور» پرداخته و تأکید دارد که معلم باید فرآیند یادگیری را هدایت کند و برای دانش‌آموزان فرصت‌های مختلف یادگیری فراهم آورد. این تغییرات، به‌ویژه در نظام آموزش معلمان، به‌عنوان مؤلفه‌ای کلیدی برای ارتقاء کیفیت آموزش و تأثیرگذاری بیشتر در یادگیری دانش‌آموزان شناخته می‌شود.

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اغلب مطالعات در زمینه تدریس اثربخش استادان، به‌ویژه در دانشگاه فرهنگیان، بر شناسایی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فردی استاد تمرکز داشته‌اند. پژوهش‌هایی چون مهرآرا و همکاران (۲۰۲۴) و مصلحی و داوری (۲۰۲۲) بیشتر بر ابعاد اخلاقی، علمی و مهارتی تأکید کرده‌اند؛ در حالی که مطالعاتی مانند حامدی‌نسب و جلیلی (۲۰۲۰) و مکوندی (۲۰۲۰) بر عوامل تعاملی، محیطی و سازمانی مؤثر بر کیفیت تدریس تمرکز داشته‌اند. اگرچه این تحقیقات در شناخت عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش ارزشمندند، اما رویکرد آن‌ها عمدتاً توصیفی و فهرست‌وار بوده و توضیح نمی‌دهند که این ابعاد چگونه در تعامل با یکدیگر منجر به تحقق تدریس اثربخش می‌شوند. در پژوهش‌های خارجی نیز رویکردهایی همچون آموزش یادگیرنده‌محور ترنیوس (۲۰۲۲) و بارمان (۲۰۲۰) یا مدل‌های رشد حرفه‌ای مانند الگوی فن‌سترمچر و سولتیس (۲۰۲۰)، بر نقش تسهیل‌گری استاد و ارتقای یادگیری فعال تأکید دارند. با این حال، این مدل‌ها در بستر فرهنگی و تربیتی ایران به‌ویژه در نظام تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان به‌صورت بومی بازتعریف نشده‌اند و نقش ارزش‌ها، زمینه فرهنگی، و مأموریت تربیتی دانشگاه فرهنگیان در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانشجومعلمان در آن‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

تحلیل پیشینه نشان می‌دهد که سه خلأ اصلی در ادبیات وجود دارد: نخست، فقدان رویکردی فرایندی و تعاملی میان ابعاد شخصیتی، ارتباطی و سازمانی استاد؛ دوم، کم‌توجهی به زمینه فرهنگی، اجتماعی و رسالت تربیت‌معلمی در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانشجومعلمان؛ و سوم، نبود مدل‌های بومی و زمینه‌مند برای تبیین سازوکار تحقق اثربخشی آموزشی از منظر تجربه زیسته دانشجومعلمان. بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد نظریه داده‌بنیاد و از منظر دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان استان البرز، در پی ارائه الگوی بومی، زمینه‌مند و پویا از مؤلفه‌های استاد اثربخش در تربیت معلمان است. این الگو درصدد است تا ضمن تلفیق ابعاد شناختی، اخلاقی، تعاملی و انگیزشی تدریس، نشان دهد که استاد اثربخش چگونه از طریق تعامل با دانشجومعلمان و در چارچوب ارزش‌های تربیت‌معلمی، فرآیند یادگیری را توانمند، معنادار و تحول‌آفرین می‌سازد. به این ترتیب، مدل مفهومی ارائه‌شده،

تبیینی فرایندی از سازوکارهای اثرگذاری استاد بر رشد حرفه‌ای و هویت آموزشی دانشجومعلمان ارائه می‌کند و از این منظر، گامی نو در توسعه نظریه بومی تدریس اثربخش در نظام تربیت معلم ایران محسوب می‌شود.

روش

این مطالعه با رویکرد کیفی و بر پایه روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۱ استراوس و کوربین انجام شد. در این روش، نظریه به‌طور مستقیم از داده‌های گردآوری‌شده استخراج می‌شود و طی فرآیندی نظام‌مند و اصولی، داده‌ها تحلیل می‌شوند تا به یک مدل مفهومی منسجم دست یابند. مشارکت کنندگان پژوهش ۲۷ دانشجومعلم (۱۴ دختر و ۱۳ پسر) رشته آموزش علوم اجتماعی، ورودی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ دانشگاه فرهنگیان استان البرز در سال ۱۴۰۳ بوده‌اند. دامنه سنی آنان بین ۲۰ تا ۲۵ سال بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند و با هدف دستیابی به حداکثر تنوع انجام شد تا دیدگاه‌های متفاوت دانشجومعلمان در مراحل مختلف تجربه‌ی آموزشی بررسی شود. متغیرهایی نظیر سن، جنسیت و محل خدمت دانشجومعلمان، همچنین سال ورود دانشجومعلمان در انتخاب نمونه‌ها مورد توجه قرار گرفت.

در مرحله نخست، عمده‌ی داده‌های تحلیلی از طریق مصاحبه با دانشجومعلمان سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ گردآوری شد که تجربه‌ی کافی از تعامل با استادان و محیط آموزشی داشتند. در ادامه، چند مصاحبه با ورودی‌های ۱۴۰۳ برای مقایسه و اعتبارسنجی یافته‌ها و بررسی اینکه برداشت‌های اولیه‌ی دانشجویان تازه‌وارد تاچه اندازه با درک دانشجومعلمان باتجربه‌تر همسو یا متفاوت است، انجام گرفت. این رویکرد، ضمن حفظ غنای داده‌ها، به تعمیق تحلیل و ارزیابی پایداری مفاهیم کمک کرد. گردآوری داده‌ها تا زمان دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت، نشانه‌های اشباع نظری در مصاحبه‌های پایانی آشکار گردید؛ به‌گونه‌ای که مفاهیم تکراری مشاهده می‌شد و هیچ مقوله یا ویژگی جدیدی از دل داده‌ها ظهور نمی‌کرد و پس از انجام ۲۷ مصاحبه، فرآیند متوقف شد. هر مصاحبه به‌طور متوسط بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه طول کشید و به صورت حضوری در محیطی آرام و بدون مزاحمت انجام شد. پرسش‌های مصاحبه برای پوشش ابعاد مختلف تدریس اثربخش، ویژگی‌های استاد توانمند و عوامل تسهیل‌کننده یا بازدارنده طراحی شد. از مشارکت‌کنندگان درباره برداشتشان از کلاس اثربخش، راهبردهای استادان و پیامدهای تدریس مؤثر بر رشد علمی و حرفه‌ای پرسیده شد. تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت (Yue et al., 2025).

در کدگذاری باز، داده‌ها خطبه‌خط بررسی و مفاهیم اولیه استخراج شدند. سپس در کدگذاری محوری، مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های فرعی و اصلی سامان‌دهی و روابط میان آن‌ها بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین مشخص گردید. پس از پیاده‌سازی متن تمامی مصاحبه‌ها، مدل نهایی پژوهش، شامل شرایط علی، زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مرتبط با مؤلفه‌های استادان اثربخش، با هدف رسیدن به مقوله محوری در مرحله نهایی کدگذاری انتخابی با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 24 تدوین گردید.

در طول تحلیل، از روش مقایسه مداوم برای پالایش مستمر داده‌ها و بازنگری مقوله‌ها استفاده شد؛ به این معنا که هر داده جدید با داده‌ها و مقوله‌های قبلی مقایسه می‌شد تا ویژگی‌های مشترک و متمایز مشخص شود.

برای افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌ها، از معیارهای خاص پژوهش‌های کیفی مانند اعتبارپذیری^۱، اطمینان‌پذیری^۲، انتقال‌پذیری^۳ و تصدیق‌پذیری^۴ استفاده گردید (فلیک، ۱۳۹۱: ۴۲۰). اعتبارپذیری پژوهش از طریق حضور مستمر محقق در میدان مطالعه، بازبینی و تأیید داده‌ها توسط مشارکت‌کنندگان، و استفاده از تکنیک مثلث‌سازی درون‌روشی تقویت شد. مثلث‌سازی^۵ درون‌روشی شامل گردآوری و تحلیل داده‌ها از منابع متنوع به‌منظور اطمینان از انسجام یافته‌ها است (بلیکی، ۱۳۹۱: ۳۳۹). همچنین تحلیل داده‌ها و کدگذاری‌ها به‌صورت هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفت تا فرایند استنتاج نظری با داده‌های واقعی میدانی پیوسته و منسجم باشد. در مرحله پایانی، یافته‌ها جهت تأیید و بازبینی مفهومی به چند نفر از شرکت‌کنندگان و دو همتای دانشگاهی ارائه شد که اصلاحات جزئی در عبارات مفهومی انجام گرفت و توافق نظری میان پژوهشگر و خبرگان حاصل شد.

در این پژوهش، اصول اخلاق پژوهشی به‌طور کامل رعایت شد. پیش از آغاز مصاحبه‌ها، اهداف و فرایند پژوهش به‌صورت شفاف برای مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و رضایت آگاهانه آن‌ها جهت ضبط مصاحبه‌ها اخذ گردید. مشارکت‌کنندگان اختیار کامل برای ورود یا خروج از پژوهش داشتند و محرمانگی داده‌ها تضمین شد. برای حفظ حریم خصوصی، اسامی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها به‌صورت مستعار ذکر گردید.

یافته‌ها

-
- 1- credibility
 - 2- dependability
 - 3- transferability
 - 4- confirmability
 - 5- Triangulation

در تحلیل داده‌ها، متن تمامی مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و غربالگری شد و در نهایت، ۱۲۴ کد باز (مفاهیم اولیه) استخراج گردید. این مفاهیم در مرحله بعد به ۵۲ مقوله جزئی دسته‌بندی شدند و نهایتاً به ۱۸ کد محوری (مقوله اصلی) تبدیل شدند. مقوله اصلی به عنوان مفهومی جامع و انتزاعی، که کلیه مقولات و مفاهیم مرتبط را پوشش می‌دهد، تحت عنوان «فرآیند یادگیری اثربخش به مثابه ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای دانشجومعلمان» شناسایی شد. یافته‌های تحقیق، که در جدول شماره ۱ ارائه شده است، به تبیین عوامل و زمینه‌هایی می‌پردازد که در تحلیل و ارائه مؤلفه‌های استاد اثربخش در دانشگاه فرهنگیان نقش دارند.

جدول شماره ۱: مراحل کدبندی: باز، محوری و گزینشی

مقوله جرنئی	مقوله‌های اصلی	نوع مقوله	مقوله‌ی هسته
الهام‌بخش بودن برای دانشجومعلم‌ان در مسیر یادگیری و آینده حرفه‌ای	شخصیت برجسته استاد	شرایط علی	تدریس همه‌جانبه و توانمندساز
انعکاس ارزش‌های اخلاقی و انسانی در رفتار روزمره استاد			
الگو بودن از نظر شخصیتی، علمی و رفتاری			
برخورد مهربانانه و صبورانه با دانشجومعلم‌ان			
احترام به دانشجو و دوری از تحقیر	تسلط و دانش تخصصی		
تعیین منابع و سرفصل‌های مفید			
تسلط نظری بر رویکردهای نوین آموزشی			
به‌روز بودن در دانش و روش‌های تدریس			
تدریس فراتر از مطالب جزوه و کتاب	مهارت‌های آموزشی و تدریس		
توانایی ارائه مطالب به شیوه‌ای جذاب و قابل‌فهم			
بهره‌گیری از روش‌های تدریس خلاقانه و ابزارهای نوین آموزشی			
داشتن فن بیان قوی برای انتقال مفاهیم			
مهارت‌های روش‌های تدریس ترکیبی (تعاملی، دیداری، شنیداری، عملی)			
استفاده از تجربه‌ها شخصی برای جذاب‌تر کردن درس	رهبری و مدیریت در تدریس		
ثبات در شیوه تدریس، منابع امتحانی و زمان‌بندی فعالیت‌ها			
مدیریت زمان و برنامه‌ریزی شفاف برای کلاس و ارزیابی‌ها در ابتدای ترم			
مدیریت متعادل کلاس با تلفیق اقتدار و عدم سخت‌گیری افراطی			

مقوله جرنی	مقوله‌های اصلی	نوع مقوله	مقوله‌ی هسته
ایجاد فضاهای مجازی برای بحث و گفت‌وگو خارج از ساعات کلاس استفاده از شوخ‌طبعی برای افزایش جذابیت ارتباط برقراری ارتباط مثبت و صمیمی با دانشجومعلمان توجه به تنوع شخصیتی و تفاوت‌های فردی دانشجومعلمان حمایت از دانشجومعلمان در مواجهه با چالش‌ها ارائه مشاوره تحصیلی گوش دادن به دغدغه‌های دانشجومعلمان و همدلی با آنان توجه به نیازهای دانشجومعلمان جدیدالورود در سازگاری با محیط دانشگاه فراهم کردن محیطی آرام، خلاقانه و مناسب برای یادگیری تشویق مشارکت و خلاقیت دانشجومعلمان ایجاد محیطی صمیمی و همراه با احترام متقابل کاهش استرس و فشارهای روانی در طول ترم ایجاد انگیزه و فرصت برای پرورش مهارت‌ها استفاده از فناوری و ابزارهای آموزشی برای تنوع در کلاس استفاده از هوش مصنوعی برای تولید محتوا و تدریس استفاده از پروژه‌های گروهی و عملی در کلاس استفاده از سامانه‌های یادگیری الکترونیکی برای انجام تکالیف و آزمون‌ها استقبال از مشارکت با دانشجومعلمان در فعالیت‌های پژوهشی ایفای نقش به‌عنوان مشاور در زندگی دانشجومعلمان پرورش مهارت‌های دانشجومعلمان رعایت عدالت در نمره‌دهی تعهد به تقویت حس تعلق به حرفه معلمی در بین دانشجومعلمان پاسخ‌گویی شفاف به درخواست‌ها در رابطه با ارزشیابی تحلیل نتایج آزمون‌ها و ارائه بازخورد سازنده به دانشجومعلمان انجام ارزیابی‌های متناسب با یادگیری واقعی استفاده از شیوه‌های ارزشیابی متنوع	تعامل با دانشجومعلمان شناخت نیازهای دانشجومعلمان ابعاد روانشناختی یادگیری	بسترها و زمینه‌ها	

مقوله جرنی	مقوله‌های اصلی	نوع مقوله	مقوله‌ی هسته
توانمندسازی دانشجومعلم‌ان طراحی برنامه آموزشی در هر ترم تحصیلی بر اساس نیازسنجی از دانشجومعلم‌ان ایجاد فرصت برای تعامل بیشتر دانشجومعلم‌ان با استاد ایجاد انگیزه و علاقه در دانشجومعلم‌ان آمادگی بهتر برای ورود به شغل معلمی تقویت مهارت‌های تحلیلی و انتقادی علاقه‌مندی بیشتر به درس و فعالیت‌های کلاسی افزایش اعتماد به نفس و انگیزه برای یادگیری	آموزشی	استراتژی ها و راهبردها	
	انگیزشی		
	آموزشی	پیامدها	
	انگیزشی		

شرایط علی

شرایط علی به عواملی اطلاق می‌شود که به‌طور مستقیم در شکل‌گیری و گسترش یک پدیده نقش دارند و وقوع آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۰۱). در این پژوهش، ویژگی‌های شخصیتی برجسته استاد، تسلط بر دانش تخصصی، مهارت‌های آموزشی و تدریس و مهارت در رهبری و مدیریت فرآیند تدریس به‌عنوان شرایط علی مؤثر در ارائه مؤلفه‌های استاد اثربخش در نظام آموزش معلمان شناسایی شده‌اند.

ویژگی‌های شخصیتی استاد

ویژگی‌های شخصیتی استاد، عاملی بنیادین در ارتقای کیفیت یادگیری و تعاملات آموزشی است. استادی که الهام‌بخش دانشجومعلمان در مسیر یادگیری و آینده حرفه‌ای باشد و ارزش‌های اخلاقی و انسانی را در رفتار روزمره خود منعکس کند، تأثیر عمیقی بر رشد علمی و اخلاقی دانشجومعلمان خواهد داشت. الگو بودن از نظر شخصیتی، علمی و رفتاری، همراه با برخوردی مهربانانه، شوخ‌طبعانه، صبورانه و احترام‌آمیز، نقشی اساسی در ایجاد محیطی پویا، حمایتی و عاری از هرگونه تحقیر ایفا می‌کند که موجب تقویت انگیزه و اعتمادبه‌نفس دانشجومعلمان می‌شود.

یکی از دانشجومعلمان در خصوص ویژگی‌های شخصیتی استادان اثربخش اظهارکرد: «... خوش اخلاقی، انرژی و نشاط بالا، استفاده از شوخی‌های مناسب در کلاس، تدریس مؤثر و خیلی مسائل دیگر را دارا هستند...».

یکی از دانشجومعلمان دیگر درباره استاد‌های خود نیز چنین بیان کرد: «... ما معلم‌های آینده از شیوه‌ها و روش‌های تدریس و مدیریت کلاس استادان خود به‌عنوان الگو استفاده می‌کنیم...».

یا اظهارات این دانشجومعلم: «... اولین و مهم‌ترین ویژگی برای اثربخشی یک استاد این است که به دانشجویان از بالا نگاه نکرده و آن‌ها را با احترام و به‌عنوان همکار ببیند...». بررسی نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که استادان برجسته با ویژگی‌هایی مانند تسلط علمی، صداقت، خوش اخلاقی، احترام متقابل و انرژی بالا، نقش بسزایی در ارتقای اثربخشی تدریس و تقویت انگیزه دانشجومعلمان ایفا می‌کنند. دانشجومعلمان این استادان را به‌عنوان الگوهایی در زمینه مدیریت کلاس و تعاملات حرفه‌ای خود می‌شناسند. رفتار انسانی و احترام‌آمیز این استادان تأثیر چشمگیری در شکل‌گیری مهارت‌ها و ارزش‌های اخلاقی معلمان آینده دارد.

تسلط و دانش تخصصی

تسلط و دانش تخصصی استاد، یکی از ارکان اصلی در ارائه آموزش اثربخش و ارتقای کیفیت یادگیری است. استادی که توانایی تعیین منابع و سرفصل‌های مفید را داشته باشد و بر رویکردهای نوین آموزشی و روش‌های تدریس به‌روز تسلط داشته باشد، می‌تواند تجربه یادگیری را برای دانشجومعلمان غنی‌تر کند. تدریس فراتر از مطالب جزوه و کتاب، همراه با فن بیان قوی در انتقال مفاهیم، زمینه‌ای برای ایجاد درک عمیق‌تر و یادگیری فعال فراهم می‌آورد. یکی از مشارکت‌کنندگان دانشجومعلم نیز چنین گفتند: «... این‌گونه استادان فراتر از تدریس مطالب کتاب، به گسترش افق‌های فکری و تقویت تفکر تحلیلی دانشجویان می‌پردازند...». یا اظهارات این دانشجومعلم: «... استادان اثربخش دانش تخصصی و گسترده‌ای داشته و مدام در حال یادگیری و به‌روزرسانی مطالب خود هستند...».

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان اشاره کرد: «... در کلاس این استادان تدریس فعال و مشارکتی و استفاده از ظرفیت کنفرانس و ارائه دانشجویی هست و باعث می‌شود دانشجو تجربه تدریس داشته باشد...».

بر اساس یافته‌های پژوهش و تحلیل مصاحبه‌ها، تسلط علمی و دانش به‌روز استادان، همراه با استفاده از روش‌های تدریس فعال و مشارکتی، تأثیر قابل‌توجهی در ارتقای تفکر تحلیلی و تقویت مهارت‌های عملی دانشجومعلمان دارد. ارائه محتوای فراتر از کتاب‌های درسی و ایجاد فرصت‌های مشارکت و ارائه در کلاس، زمینه‌ای برای یادگیری عمیق و تجربه عملی تدریس فراهم می‌آورد. استادانی که به‌طور مداوم دانش و روش‌های آموزشی خود را به‌روزرسانی می‌کنند، به‌عنوان الگویی برجسته در توسعه حرفه‌ای و اخلاقی معلمان آینده شناخته می‌شوند.

رهبری و مدیریت در تدریس

رهبری و مدیریت در تدریس از مهم‌ترین مؤلفه‌های استاد اثربخش است که به هدایت منظم و مؤثر فرایند یادگیری کمک می‌کند. ثبات در شیوه تدریس، منابع امتحانی و زمان‌بندی فعالیت‌ها، همراه با مدیریت زمان و برنامه‌ریزی شفاف در ابتدای ترم، موجب تقویت نظم و اعتماد دانشجومعلمان می‌شود. مدیریت کلاس با رویکردی متعادل که اقتدار و انعطاف را در بر داشته باشد، محیطی منسجم و مشارکتی برای یادگیری فراهم می‌سازد.

یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار نمود: «... استادان اثربخش در تدریس خود از شیوه‌های ثابت و شفاف برای امتحانات و منابع استفاده می‌کنند و از همان ابتدا انتظارات و تکالیف دانشجویان را مشخص می‌نمایند...».

یکی از دانشجومعلمان دیگر درباره مدیریت استاد‌های خود نیز چنین بیان کرد: «... برنامه‌ریزی شفاف و ارائه طرح درس در ابتدای ترم به دانشجویان کمک می‌کند که مسیر یادگیری خود را به وضوح بشناسند...».

بر اساس یافته‌های پژوهش و تحلیل مصاحبه‌ها، استادان اثربخش با استفاده از شیوه‌های تدریس منظم و شفاف، برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت مؤثر کلاس، محیطی منسجم و انگیزشی برای یادگیری ایجاد می‌کنند. این استادان با تعیین انتظارات روشن و ارائه طرح درس در ابتدای ترم، دانشجومعلمان را در مسیر یادگیری هدایت کرده و اعتماد و نظم را در فرآیند تدریس تقویت می‌کنند. مدیریت مؤثر و شفافیت در فرآیند تدریس، بستری مناسب برای ارتقای یادگیری و مشارکت فعال دانشجومعلمان فراهم می‌آورد.

مهارت‌های آموزشی و تدریس

مهارت‌های آموزشی و تدریس نقش محوری در بهبود کیفیت یادگیری و مشارکت دانشجومعلم‌ان دارد. توانایی ارائه مطالب به شیوه‌ای جذاب و قابل فهم، همراه با بهره‌گیری از روش‌های خلاقانه و ابزارهای نوین آموزشی، به تقویت درک مفاهیم کمک می‌کند. استفاده از روش‌های تدریس ترکیبی (تعاملی، دیداری، شنیداری، عملی) و به‌کارگیری تجربه‌های شخصی در تدریس، جذابیت و اثربخشی آموزش را افزایش داده و انگیزه یادگیری در دانشجومعلم‌ان را بهبود می‌بخشد.

یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار نمود: «... استادان اثربخش با تسلط کامل بر مطالب درسی، مفاهیم پیچیده را به‌صورتی ساده و قابل فهم به دانشجویان ارائه می‌دهند و از مثال‌های ملموس و کاربردی برای درک بهتر موضوعات استفاده می‌کنند...».

دانشجومعلمی در خصوص مهارت‌های آموزشی و تدریس استاد خود چنین اظهار داشت: «... به‌کارگیری روش‌های تدریس تعاملی و ترکیبی، که شامل رویکردهای دیداری، شنیداری و عملی می‌شود، موجب بهبود درک مفاهیم و افزایش عمق یادگیری دانشجویان می‌شود...».

یا اظهارات این دانشجومعلم: «... این استادان با بهره‌گیری از تجربیات شخصی و خاطرات مرتبط، نه تنها کلاس را جذاب‌تر می‌کنند، بلکه مفاهیم را به‌شکلی کاربردی‌تر و قابل لمس‌تر برای دانشجویان منتقل می‌نمایند...».

بر اساس یافته‌های پژوهش؛ استادان اثربخش با به‌کارگیری مهارت‌های تدریس ترکیبی و تعاملی، مفاهیم پیچیده را به‌صورتی ساده و قابل فهم به دانشجومعلم‌ان منتقل می‌کنند. استفاده از روش‌های متنوع مانند دیداری، شنیداری و عملی همراه با به‌کارگیری تجربیات شخصی، باعث می‌شود که یادگیری جذاب‌تر و عمیق‌تر شود. این استادان با ارائه مثال‌های ملموس و کاربردی، انگیزه و مشارکت دانشجومعلم‌ان را در فرایند یاددهی-یادگیری افزایش می‌دهند.

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای به عواملی اشاره دارد که چارچوبی خاص برای شکل‌گیری و اجرای راهبردهای کنش و کنش متقابل فراهم می‌کنند. این شرایط در بستر زمان و مکان معین و در تعامل با شرایط علی و مداخله‌گر، موقعیت‌هایی را ایجاد می‌کنند که مسائل کلیدی را تحت تأثیر قرار داده و افراد را به انجام کنش ترغیب می‌نمایند (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵۴). تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی با دانشجومعلم‌ان نشان می‌دهد که عواملی همچون تعامل سازنده با

دانشجومعلم، آگاهی از نیازهای دانشجومعلم و ابعاد روانشناختی یادگیری از جمله مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای هستند. این عوامل تأثیر قابل توجهی بر کیفیت فرایند یادگیری و توسعه اجتماعی دانشجومعلم دارند.

تعامل با شاگردان

تعامل مؤثر با دانشجومعلم، از عوامل کلیدی در ایجاد محیط یادگیری پویا و حمایتگر به‌شمار می‌آید. این شرایط، چارچوبی برای شکل‌گیری روابط مثبت در فضای آموزشی ایجاد می‌کنند. ایجاد فضاهای مجازی برای بحث و گفت‌وگو خارج از ساعات کلاس، که توسط زیرساخت‌های موجود و شرایط سازمانی تسهیل می‌شود، فرصت‌هایی برای گسترش ارتباطات آموزشی و یادگیری تعاملی فراهم می‌کند. بهره‌گیری از شوخ‌طبعی، متناسب با فضای فرهنگی و اجتماعی کلاس، همراه با برقراری ارتباط صمیمی با دانشجومعلم و توجه به تنوع شخصیتی و تفاوت‌های فردی آنان، موجب تقویت مشارکت و انگیزه یادگیری می‌شود و تعامل سازنده در بستری مناسب و حمایتگر را ارتقا می‌دهد.

یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار نمود: «... ایجاد فضای صمیمی و دوستانه توسط استاد باعث انگیزه‌بخشی به دانشجویان می‌شود و به آن‌ها این امکان را می‌دهد که بدون دغدغه نظرات و مشکلات خود را بیان کنند...».

یا اظهارات این دانشجومعلم: «... اینگونه استادان با پاسخگویی به سؤالات دانشجویان حتی خارج از ساعات کلاس، حس حمایت و همراهی را تقویت کرده و تعاملات آموزشی را بهبود می‌بخشند...».

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان دانشجومعلم نیز چنین گفتند: «... این استادان کلاس را باتوجه به شرایط دانشجویان و سطح درسیشان پیش می‌برند و این انگیزه ما رو طبیعتاً برای خوندن درس این چنین استادانی افزایش می‌داد...».

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که استادان اثربخش با ایجاد فضایی صمیمی و دوستانه، زمینه‌ساز تعاملات مثبت و مؤثر با دانشجومعلم می‌شوند. این استادان باتوجه به نیازهای فردی دانشجومعلم، برقراری ارتباط خارج از ساعات کلاس و پاسخگویی به سؤالات، حس حمایت و انگیزه یادگیری را تقویت می‌کنند. استفاده از شوخ‌طبعی و تطبیق تدریس با شرایط و سطح علمی دانشجومعلم، موجب ارتقای مشارکت و پیشرفت علمی آنان در محیطی حمایتی و پویا می‌شود.

شناخت نیازهای دانشجومعلمان

شناخت نیازهای دانشجومعلمان، عنصر کلیدی در ایجاد تعاملات مؤثر و بهبود کیفیت یادگیری است. استادی که از دانشجومعلمان در مواجهه با چالش‌ها حمایت کند و با ارائه مشاوره تحصیلی مناسب، آنان را در مسیر پیشرفت هدایت کند، نقش مهمی در تسهیل فرایند یادگیری ایفا می‌نماید. گوش دادن فعال به دغدغه‌های دانشجومعلمان، همدلی با آنان و توجه ویژه به نیازهای دانشجویان جدیدالورود برای سازگاری با محیط دانشگاه، زمینه‌ای برای ایجاد محیطی حمایتگر و اثربخش فراهم می‌آورد.

یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار نمود: «... ما در کلاس‌های این سنخ از استادان احساس صمیمیت بیشتری داریم و استاد به مشکلات ما گوش می‌دهد و همدردی می‌کند...». دانشجومعلمی چنین اظهار داشت: «... این استادها توان همفکری و همراهی با دانشجو و همچنین درک عواطف و احساسات را دارند...».

یکی از دانشجومعلمان در خصوص شناخت نیازهای دانشجویان توسط استادان اثربخش اظهار کرد: «... تعامل حمایتی بین استاد و دانشجومعلم، به‌ویژه برای دانشجویان تازه‌وارد، نقش مهمی در تطبیق آنان با فضای دانشگاه و تقویت اعتمادبه‌نفس آن‌ها ایفا می‌کند...». تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که استادان اثربخش با شناخت دقیق نیازهای دانشجومعلمان، به‌ویژه دانشجویان جدیدالورود، از طریق تعاملات حمایتی و همدلی، نقش مهمی در تسهیل فرآیند سازگاری و افزایش اعتمادبه‌نفس آنان ایفا می‌کنند. این استادان با گوش دادن فعال و ارائه مشاوره مناسب، محیطی صمیمی و انگیزشی فراهم کرده و تجربه یادگیری را برای دانشجویان پربارتر می‌سازند.

ابعاد روانشناختی یادگیری

ابعاد روانشناختی یادگیری، بستری اساسی برای رشد و پیشرفت دانشجومعلمان فراهم می‌کند. ایجاد محیطی آرام، خلاقانه و همراه با احترام متقابل، به کاهش استرس و افزایش تمرکز دانشجومعلمان کمک می‌کند. تشویق به مشارکت و خلاقیت، همراه با ایجاد انگیزه و فرصت‌هایی برای پرورش مهارت‌ها، محیط یادگیری را به فضایی پویا و حمایتگر تبدیل کرده و پیشرفت علمی و شخصی دانشجومعلمان را تسهیل می‌نماید.

دانشجومعلمی در خصوص فضای یادگیری مؤثر چنین اظهار داشت: «... این استادان با ایجاد محیطی آرام و صمیمی، همیشه به دنبال خوب کردن حال ما و شاد کردن ما بودند...». یا اظهارات این دانشجومعلم: «... تعاملات مثبت و دوستانه با دانشجویان موجب ایجاد احترام، علاقه و پذیرش متقابل در کلاس درس می‌شود که به بهبود فضای یادگیری و ارتقای مشارکت دانشجویان کمک می‌کند...».

یکی دیگر از مشارکت کنندگان اظهار نمود: «... این استادان انگیزه‌دهی و الهام‌بخشی به دانشجویان را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار می‌دهند و از طریق تشویق و تقویت نقاط قوت دانشجویان، اعتمادبه‌نفس و اشتیاق به یادگیری و پژوهش را در آن‌ها تقویت می‌نمایند...». تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که استادان اثربخش با ایجاد فضای یادگیری آرام، صمیمی و احترام‌آمیز، فضایی حمایتی و انگیزشی برای دانشجومعلمان فراهم می‌آورند. این محیط‌های مثبت، با تشویق به مشارکت و خلاقیت، انگیزه و اعتمادبه‌نفس دانشجومعلمان را تقویت کرده و به بهبود کیفیت یادگیری و پیشرفت علمی آنان کمک می‌کنند. چنین فضایی موجب ارتقای روابط متقابل و تقویت تعاملات مثبت در کلاس می‌شود که در نهایت به رشد شخصی و علمی دانشجومعلمان می‌انجامد.

شرایط مداخله‌گر^۱

شرایط مداخله‌گر به عواملی ساختاری اشاره دارد که با پدیده موردنظر مرتبط بوده و بر راهبردهای کنش و کنش متقابل تأثیر می‌گذارند. این شرایط می‌توانند راهبردهای اجرایی را در یک زمینه خاص تسهیل یا محدود کنند (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۰۴). به عبارت دیگر، شرایط مداخله‌گر در تشدید یا کاهش تأثیر شرایط علی بر پدیده مرکزی، نقشی تعیین‌کننده دارند. در این پژوهش، نوآوری در آموزش، ارزیابی و بازخورد مؤثر و مسئولیت‌پذیری به عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شدند. این مقوله‌ها با تسهیل فرایندهای آموزشی و ارائه بازخوردهای سازنده، زمینه‌ای فراهم می‌کنند که در آن استادان می‌توانند راهبردهای آموزشی مؤثرتری اتخاذ کنند.

نوآوری در آموزش

نوآوری در آموزش به عنوان عاملی کلیدی، تحت تأثیر شرایطی مانند دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و زیرساخت‌های سازمانی مناسب، نقشی محوری در بهبود فرآیند یادگیری ایفا می‌کند. استفاده از ابزارهای آموزشی متنوع و هوش مصنوعی برای تولید محتوا، ضمن ایجاد تنوع در کلاس، اثربخشی تدریس را ارتقا می‌دهد. پروژه‌های گروهی و عملی، همراه با بهره‌گیری از سامانه‌های یادگیری الکترونیکی، فرصت‌هایی برای یادگیری تعاملی و تقویت مهارت‌های کاربردی فراهم می‌آورد و محیطی نوآورانه و حمایتگر برای دانشجومعلم‌ان ایجاد می‌کند. دانشجومعلمی در خصوص نوآوری در آموزش اظهار داشت: «... استفاده از روش‌های متنوع تدریس، از جمله فعالیت‌های عملی و گروهی و ارائه درس توسط دانشجویان جذابیت کلاس را افزایش می‌دهد...».

یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار نمود: «... استادان اثربخش با بهره‌گیری از سامانه‌های الکترونیکی برای مدیریت تکالیف و آزمون‌ها، روند یادگیری را بهتر می‌کنند و دسترسی دانشجویان به منابع آموزشی را تسهیل می‌نمایند...».

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان اشاره کرد: «... این استادان با استفاده از ابزارهای آموزشی متنوع، مانند تصاویر، فیلم‌ها، و پاورپوینت کلاس را از حالت یکنواختی خارج می‌کنند...».

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که استادان اثربخش با به‌کارگیری نوآوری در روش‌های تدریس، از جمله استفاده از فناوری‌های پیشرفته و ابزارهای آموزشی متنوع، فضای یادگیری را جذاب و پویا می‌سازند. استفاده از سامانه‌های الکترونیکی، فعالیت‌های گروهی و پروژه‌های عملی، فرآیند یادگیری را بهبود بخشیده و مهارت‌های عملی و کاربردی دانشجومعلم‌ان را تقویت می‌کند. این نوآوری‌ها موجب ارتقای اثربخشی تدریس و تسهیل دسترسی به منابع آموزشی برای دانشجومعلم‌ان می‌شود.

مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری استاد، عنصری بنیادین در تقویت کیفیت یادگیری و پرورش حرفه‌ای دانشجومعلم‌ان است. استقبال از مشارکت دانشجومعلم‌ان در فعالیت‌های پژوهشی و ایفای نقش مشاور در زندگی آنان، ضمن تقویت حس اعتماد و حمایت، به رشد مهارت‌های فردی و علمی کمک می‌کند. تعهد به رعایت عدالت در نمره‌دهی و تقویت حس تعلق به حرفه معلمی، نه تنها

محیطی اخلاق‌مدار ایجاد می‌کند، بلکه انگیزه و تعلق خاطر دانشجومعلمان به مسیر حرفه‌ای‌شان را افزایش می‌دهد.

یکی از مشارکت‌کنندگان دانشجومعلم چنین گفتند: «... استادان با مشارکت در پژوهش‌های مشترک با دانشجومعلمان، مهارت‌های پژوهشی ما را تقویت می‌کنند...». دانشجومعلمی در خصوص مسئولیت‌پذیری استاد چنین اظهار داشت: «... رعایت عدالت در نمره‌دهی، باعث ایجاد انگیزه و اعتماد ما به استاد می‌شود...».

یکی از دانشجومعلمان دیگر درباره استادهای خود نیز چنین بیان کرد: «... استادان اثربخش با مسئولیت‌پذیری بالا روی تقویت مهارت‌های معلمی و تدریس دانشجویان کار می‌کنند و فرصت‌هایی برای ارتقای دانش و تجربه ما فراهم می‌کنند...».

بر اساس یافته‌های پژوهش و تحلیل مصاحبه‌ها، مسئولیت‌پذیری استادان در ایجاد محیطی آموزشی منصفانه و حمایتگر، تأثیر چشمگیری در تقویت اعتماد و انگیزه دانشجومعلمان دارد. استادان اثربخش با رعایت عدالت در نمره‌دهی و مشارکت در فعالیت‌های پژوهشی مشترک، به تقویت مهارت‌های علمی و حرفه‌ای دانشجومعلمان کمک می‌کنند. این مسئولیت‌پذیری حس تعلق به حرفه معلمی را در دانشجومعلمان تقویت کرده و آنان را برای آینده حرفه‌ای خود آماده می‌سازد.

ارزیابی و بازخورد مؤثر

ارزیابی و بازخورد مؤثر بخش اساسی از فرآیند تدریس است که نقش مهمی در رشد و ارتقای عملکرد دانشجومعلمان ایفا می‌کند. پاسخ‌گویی شفاف و دقیق به درخواست‌های مرتبط با ارزشیابی و تحلیل نتایج آزمون‌ها، فرصتی برای ارائه بازخورد سازنده فراهم می‌آورد که به اصلاح و بهبود عملکرد آموزشی دانشجومعلمان کمک می‌کند. علاوه بر این، استفاده از شیوه‌های ارزشیابی متنوع و انجام ارزیابی‌هایی که با فرآیند یادگیری واقعی هم‌راستا باشد، علاوه بر افزایش دقت در ارزشیابی، فضای آموزشی تعاملی و مؤثری را برای دانشجومعلمان ایجاد می‌کند و به یادگیری بهینه آنان کمک می‌نماید.

دانشجومعلمی در خصوص ارزیابی و بازخورد مؤثر استادان اثربخش اظهار داشت: «... این استادان بعد از آزمون‌ها، پاسخگویی شفافی به سوالات و درخواست‌های دانشجویان در رابطه با ارزشیابی دارند...».

یکی از مشارکت‌کنندگان دانشجومعلم نیز چنین گفتند: «... این استادان از شیوه‌های متنوع و خلاقانه برای ارزشیابی، مانند فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های عملی و آزمون‌های کاربردی استفاده می‌کنند تا یادگیری واقعی ما را نشان دهند...».

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که ارزیابی و بازخورد مؤثر، عامل کلیدی در بهبود عملکرد و رشد حرفه‌ای دانشجومعلمان است. استادان اثربخش با استفاده از شیوه‌های ارزشیابی متنوع و شفافیت در پاسخ‌گویی به درخواست‌های مرتبط با ارزشیابی، فضای تعاملی و مؤثری برای یادگیری ایجاد می‌کنند. این رویکردها به دانشجومعلمان کمک می‌کند تا نقاط ضعف خود را شناسایی کرده و در جهت بهبود و ارتقای عملکرد خود گام بردارند.

راهبردها

راهبردها به مجموعه‌ای از فرآیندها و شیوه‌های مدیریتی، کنترلی و تعاملی اطلاق می‌شود که کنشگران تحت شرایط خاص به کار می‌گیرند (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۰۵). این راهبردها شامل تعاملات و فرآیندهای هدفمندی هستند که بیانگر واکنش‌های آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده کنشگران در مواجهه با شرایط موجود است. در این پژوهش، استادان اثربخش برای ارتقای همه‌جانبه دانشجومعلمان از راهبردهای مؤثری نظیر ایجاد انگیزه و علاقه در دانشجومعلمان، توانمندسازی آن‌ها، طراحی برنامه آموزشی هر ترم بر اساس نیازسنجی و فراهم‌سازی فرصت تعامل آزاد دانشجومعلمان با استاد استفاده کرده‌اند که به بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری و توسعه مهارت‌های حرفه‌ای دانشجومعلمان کمک کرده است.

یکی از دانشجومعلمان درباره راهبردهای استادان خود چنین بیان کرد: «... استاد اثربخش دانشجویان را با محتوای آموزشی و فعالیت‌هایی درگیر می‌کند که به آن‌ها در مسیر معلمی کمک می‌کند...».

یا اظهارات این دانشجومعلم: «... استادان با تعامل بیشتر با دانشجومعلمان، علاقه و اشتیاق بیشتری در دانشجویان ایجاد می‌کنند، دانشجویان در چنین محیطی استعداد و توانایی‌های خود را پیدا و شکوفا می‌کنند...».

یکی از مشارکت‌کنندگان دانشجومعلم نیز چنین گفتند: «... این استادان محتوای کلاس را هدفمند و متناسب با نیازهای دانشجویان برای طول ترم تحصیلی طراحی می‌کنند...».

بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها، معلمان با استفاده از مثال‌های جذاب، ارائه بازخورد مثبت، و اشتراک‌گذاری تجربیات زندگی، نه تنها انگیزه دانش‌آموزان را تقویت می‌کنند، بلکه آنان را به

یادگیری بیشتر و توسعه مهارت‌های زندگی تشویق می‌نمایند. این رویکردها نقش مهمی در ایجاد فضای آموزشی پویا و انگیزشی دارند.

پیامدها^۱

پیامدها نتایج تعامل‌ها و راهبردها هستند که تحت تأثیر شرایط خاص هر موقعیت شکل می‌گیرند و در این پژوهش در دو دسته اصلی طبقه‌بندی می‌شوند: اول، پیامدهای آموزشی که شامل آمادگی بهتر برای ورود به شغل معلمی و همچنین ارتقای مهارت‌های تحلیلی و انتقادی است. دوم، پیامدهای انگیزشی که به افزایش انگیزه، اعتماد به نفس و علاقه‌مندی بیشتر به درس و فعالیت‌های کلاسی اشاره دارند. این پیامدها به‌طور کلی موجب ارتقای کیفیت یادگیری و تقویت انگیزه و اشتیاق بیشتر برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجومعلمان می‌شوند.

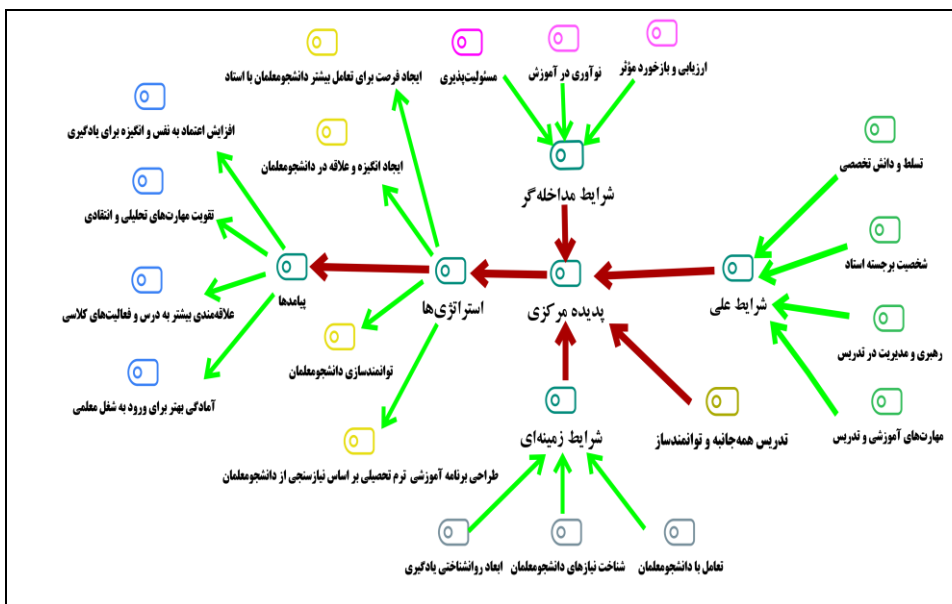
یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار نمود: «... از اونجایی که ما معلم‌های آینده هستیم مسلماً در اولین قدم از شیوه و روش‌های استادان خود در نحوه تدریس و مدیریت کلاس و ارزشیابی‌ها و نحوه تعامل با دانش‌آموزان را به خوبی خواهیم آموخت ...».

یکی از دانشجومعلمان دیگر درباره استاد‌های خود نیز چنین بیان کرد: «... دانشجویان به دروسی که استادان اثربخش دارند، علاقه‌مند می‌شوند، چرا که کلاس درس برایشان تبدیل به کشتی‌ای می‌شود که ناخدای آن فردی قابل اعتماد است ...».

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان اشاره کرد: «... اعتماد به نفس دانشجو خیلی بیشتر می‌شود. تمایل بیشتری برای یادگیری پیدا می‌کند و به تبع برای یادگیری بیشتر پیش‌قدم می‌شود ...».

این پیامدها تأثیرات مهمی در دو حوزه آموزشی و اجتماعی دارند. از نظر آموزشی، معلمان با ایجاد ارتباط مؤثر میان مطالب درسی و زندگی روزمره، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا یادگیری معنادار و کاربردی را تجربه کنند. در بعد اجتماعی، ایجاد فضای حمایتی و تشویق به مشارکت فعال در کلاس موجب تقویت مهارت‌های اجتماعی و روابط مثبت میان دانش‌آموزان می‌شود، که این امر به توسعه شخصیتی و اجتماعی آنان کمک می‌کند. در پایان مدل پارادایمی پژوهش؛ «استادان اثر بخش» ترسیم گردیده است.

نمودار شماره ۱: مدل پارادایمی مؤلفه‌های استاد اثربخش در تربیت معلمان



بحث و نتیجه‌گیری

در نظام تربیت معلم ایران، به‌ویژه در دانشگاه فرهنگیان، استادان نقشی محوری در شکل‌دهی شایستگی‌های حرفه‌ای و هویت آموزشی دانشجومعلمان دارند. پژوهش حاضر با رویکرد نظریه زمینه‌ای، درصدد است فرآیند تحقق تدریس اثربخش را از منظر تجربه زیسته دانشجومعلمان تبیین کند. بر اساس تحلیل داده‌ها، مدل مفهومی «تدریس همه‌جانبه و توانمندساز» حاصل تعامل پویا میان عوامل فردی، زمینه‌ای، سازمانی و راهبردی است و درک تازه‌ای از نقش استاد اثربخش در تربیت معلم ارائه می‌دهد. در ادامه، نتایج اصلی و کاربردهای عملی این مدل در ارتقای کیفیت نظام آموزش معلمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش حاضر در بخش شرایط علی مؤلفه‌های استادان اثربخش در تربیت معلمان نشان‌داد که ویژگی‌هایی نظیر توانمندی‌های شخصیتی، تسلط علمی، مهارت‌های آموزشی پیشرفته، و توانایی در مدیریت کلاس، تأثیر بسزایی در ارتقای کیفیت یادگیری دارند. این مؤلفه‌ها در تعامل با شرایط زمینه‌ای مانند تعامل با دانشجومعلمان، شناخت نیازهای آنان و توجه به ابعاد روان‌شناختی یادگیری، سازوکار شکل‌گیری «تدریس توانمندساز» را فعال می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که رفتارهای شخصیتی استاد (مانند صبوری، عدالت و احترام) مستقیماً در کیفیت تعامل آموزشی و انگیزش یادگیری دانشجومعلمان بازتاب می‌یابد؛ بنابراین، میان مقوله‌های شخصیتی و ارتباطی، رابطه‌ای هم‌افزا وجود دارد و نشان می‌دهد که در تدریس

اثربخش، مرزهای شخصیتی و تعاملی ذاتاً درهم‌تنیده‌اند. این نتایج با مطالعات Mehrara et al. (2024)، Salehizadeh et al. (2020)، Makvandi (2020)، Keidoori et al. (2019)، Hamidizadeh (2022) و Khedive & Seyedkolan (2018) همخوانی دارد که بر اهمیت شایستگی‌های چندبعدی، از جمله اخلاق حرفه‌ای، تسلط علمی، مهارت‌های تدریس و پژوهش و مهارت‌های ارتباطی تأکید داشتند.

شرایط مداخله‌گر، نظیر نوآوری در روش‌های آموزشی، مسئولیت‌پذیری استادان و به‌کارگیری ارزیابی‌های منسجم و بازخورد مؤثر، نقشی حیاتی در تسهیل یادگیری ایفا می‌کنند. این عوامل، پاسخ استادان به محدودیت‌های محیطی و تنوع یادگیرندگان را جهت می‌دهند. برای مثال، نوآوری در روش تدریس باعث می‌شود یادگیری از حالت انتقالی به فرآیندی پویا و مسئله‌محور تبدیل شود؛ و بازخورد اثربخش، پیوند میان انگیزش و اصلاح رفتار یادگیرنده را برقرار می‌سازد. یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های Hamedinasab & Jalili (2020) Barmaan (2013) و Tzenius (2022) که بر ضرورت به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس، رویکردهای یادگیرنده‌محور و استفاده از فناوری‌های نوین برای ارتقای کیفیت آموزش تأکید کرده‌اند، همخوانی دارد. شرایط زمینه‌ای همچون «تعامل با دانش‌جو معلمان»، «شناخت نیازهای آنان» و «توجه به ابعاد روان‌شناختی یادگیری»، نقش بستر فرهنگی و تربیتی را در شکل‌گیری پدیده نشان می‌دهد. این شرایط به‌ویژه در دانشگاه فرهنگیان، جایی که رسالت تربیت معلم با ارزش‌های انسانی و اخلاقی در هم تنیده است، اهمیت مضاعف دارند. تعامل مستمر استاد با دانش‌جو معلمان و شناخت فردی از دغدغه‌ها و ظرفیت‌های آنان، باعث می‌شود که تدریس از سطح انتقال دانش فراتر رفته و به فرایندی رابطه‌محور و رشددهنده تبدیل شود. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات Jokar et al. (2016) و Hoshelsadat et al. (2018) نیز همسان است که به اهمیت مدیریت مؤثر کلاس، استفاده از راهبردهای تعاملی تدریس و ایجاد محیط یادگیری حمایتی اشاره کرده‌اند. راهبردهای آموزشی و انگیزشی استادان اثربخش شامل ایجاد انگیزه در دانش‌جو معلمان، طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر نیازسنجی، و فراهم‌سازی فرصت‌های تعامل آزاد و مؤثر میان دانش‌جو معلم و استاد است. از منظر انگیزشی، ایجاد اعتماد به نفس، تقویت علاقه به یادگیری و تشویق به مشارکت فعال در کلاس، دانش‌جو معلمان را برای رشد تحصیلی و حرفه‌ای آماده می‌سازد. یافته‌ها با پژوهش Hamzehlou et al. (2016) و Badhleh (2018) & Saki درباره ضرورت طراحی درس‌های متنوع و انگیزشی در ارتباط است.

در نهایت، پیامدهای آموزشی نشان می‌دهد که «تدریس همه‌جانبه و توانمندساز» به رشد چندبعدی دانش‌جو معلمان منتهی می‌شود. این پیامدها شامل ارتقای صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای، افزایش انگیزه برای یادگیری مستمر، و شکل‌گیری هویت معلمی مبتنی بر ارزش‌های

اخلاقی و تربیتی است. به این ترتیب، مدل حاضر نه تنها روابط خطی میان مقوله‌ها را نشان می‌دهد، بلکه چرخه‌ی پویایی از اثرگذاری متقابل را ترسیم می‌کند: ویژگی‌های شخصیتی استاد، تعاملات آموزشی را شکل می‌دهند؛ این تعاملات با حمایت عوامل مداخله‌گر و راهبردهای آموزشی، به تجربه‌ی یادگیری توانمندساز منجر می‌شوند؛ و پیامدهای این یادگیری، به بازتعریف نقش استاد در تدریس اثربخش بازمی‌گردد.

مدل «تدریس همه‌جانبه و توانمندساز» برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به ویژگی‌های فردی یا مهارت‌های آموزشی استادان محدود بودند، نگاهی فرایندی و تعاملی به پدیده تدریس ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که اثربخشی واقعی حاصل تعامل پویا میان ابعاد شخصیتی، ارتباطی و سازمانی در بستر فرهنگی دانشگاه فرهنگیان است. این مدل در مقایسه با الگوی فنسترمچر و سولتیس (۲۰۰۴) که بر عناصر کلاسیک تدریس مؤثر تمرکز دارد، دو بعد تازه یعنی «توانمندسازی دانشجومعلم» و «پویایی فرهنگی سازمانی» را به آن می‌افزاید. استاد در این چارچوب نه تنها انتقال‌دهنده دانش، بلکه تسهیل‌گر رشد حرفه‌ای و خودآگاهی دانشجومعلم است؛ ویژگی‌ای که آن را از مدل‌های مهارتی صرف متمایز می‌کند. بنابراین، مفهوم «تدریس همه‌جانبه و توانمندساز» یک نظریه بومی و تبیینی از تدریس در دانشگاه فرهنگیان ارائه می‌دهد که درک ما را از نقش استادان ایرانی ارتقا می‌دهد.

یافته‌ها بر لزوم تلفیق مؤلفه‌های شناسایی‌شده در طراحی برنامه‌های تربیت معلم و تقویت تعاملات آموزشی برای ایجاد محیطی پویا و اثربخش تأکید دارند. همچنین، این پژوهش با ارائه مدلی جامع از مؤلفه‌های استاد اثربخش، رویکردی نوآورانه به آموزش معلمان ارائه داده است که می‌تواند به عنوان زمینه‌ساز مطالعات جدید در حوزه آموزش معلمان قرار گیرد.

در راستای کاربردی‌سازی نتایج، پیشنهاد می‌شود دوره‌های تخصصی و کارگاه‌های عملی برای استادان در زمینه روش‌های تدریس نوین، مدیریت کلاس، استفاده از فناوری‌های آموزشی و ارزیابی یادگیری برگزار شود. همچنین بازطراحی نظام ارزشیابی استادان و دانشجومعلم ضروری است تا بر یادگیری عمیق و توسعه مهارت‌های حرفه‌ای تمرکز کند و شامل بازخورد متنوع و مؤثر باشد. ایجاد سامانه‌های نیازسنجی در ابتدای هر ترم برای انطباق برنامه‌های آموزشی با نیازهای واقعی دانشجومعلم و پیش‌بینی مشوق‌های سازمانی برای استادان خلاق و نوآور، می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزشی کمک شایانی کند. چنین رویکردی ضمن افزایش انگیزه استادان، محیطی پویا و تعاملی برای رشد علمی و حرفه‌ای دانشجومعلم فراهم می‌آورد.

این پژوهش در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان استان البرز انجام شده و تعمیم نتایج به سایر استان‌ها یا رشته‌ها نیازمند پژوهش‌های مکمل است. همچنین، با توجه به ماهیت کیفی

داده‌ها، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از روش‌های ترکیبی (کمی-کیفی) و نمونه‌های گسترده‌تر ملی استفاده شود تا قابلیت تعمیم و کاربردپذیری نظریه تقویت گردد. در نهایت، این پژوهش با ارائه مدلی زمینه‌ای از مؤلفه‌های استاد اثربخش، تبیینی نو از پدیده تدریس در نظام تربیت معلم ارائه کرده است. این مدل می‌تواند پایه‌ای برای توسعه برنامه‌های آموزشی، طراحی کارگاه‌های توانمندسازی استادان و شکل‌گیری سیاست‌های ارتقای کیفیت آموزش در دانشگاه فرهنگیان قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی، به آزمون و اعتبارسنجی مدل در سایر استان‌ها و رشته‌های تحصیلی بپردازند تا قابلیت تعمیم نظریه افزایش یابد.

مشارکت نویسندگان

همه فرایند نگارش مقاله توسط نویسنده انجام شده است.

تشکر و قدردانی

از همه مشارکت‌کنندگان پژوهش که شامل دانشجومعلمان آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان البرز ورودی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ می‌شوند، قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسنده بیان نشده است.



COPYRIGHTS

©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

References

- Asadi, M., & Gholami, Kh. (2016). Synthesis of Research on the Effective Teaching Model in Higher Education. *Quarterly Journal of Educational Planning Studies*, 5 (9), 113-144. [In Persian]
- Badle, A., & Saki, R. (2018). Perspectives of Student Teachers at Farhangian University Regarding Educational Ethics in Academic

-
- Environments. *Journal of Bioethics - Scientific Research*, 8(27), 7-18. [In Persian]
- Barman, B. (2013). Shifting education from teacher-centered to learner-centered paradigm. *City University Journal* (ISSN: 2412-2823) 1 (01), 79-98
- Barrows, H. S. (2000). *Problem-based learning: An approach to medical education*. Springer.
- Bates, A. W. (2015). *Teaching in a digital age: Guidelines for designing teaching and learning*. BCcampus.
- Bergmann, J., & Sams, A. (2012). *Flip your classroom: Reach every student in every class every day*. International Society for Technology in Education.
- Bing-You, R. G., Lee, R., Trowbridge, R. L., Varaklis, K., & Hafler, J. P. (2009). Commentary: principle-based teaching competencies. *Journal of graduate medical education*, 1(1), 100-103. <https://doi.org/10.4300/01.01.0016>
- Blaikie, N. (2012). *Designing Social Research* (6th ed.). Translated by H. Chavoshian. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Desimone, L. M., & Garet, M. S. (2015). Best practices in teacher's professional development in the United States. <https://doi.org/10.25115/psye.v7i3.515>
- Engida, M. A., Iyasu, A. S., & Fentie, Y. M. (2024, July). Impact of teaching quality on student achievement: student evidence. In *Frontiers in Education* (Vol. 9, p. 1367317). Frontiers Media SA. <https://doi.org/10.3389/feduc.2024.1367317>
- Farrell, T. (2013). *Reflective practice in ESL teacher development groups: From practices to principles*. Springer. <https://doi.org/10.1057/9781137317193>
- Fenstermacher, G. D., & Soltis, J. F. (2004). *Approaches to teaching* (4th ed.). Teachers College Press.
- Flick, U. (2012). *An Introduction to Qualitative Research* (4th ed.). Translated by H. Jalili. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Freeman, S., Eddy, S. L., McDonough, M., Smith, M. K., Okoroafor, N., Jordt, H., & Wenderoth, M. P. (2014). Active learning increases student performance in science, engineering, and mathematics. *Proceedings of the national academy of sciences*, 111(23), 8410-8415. <https://doi.org/10.1073/pnas.1319030111>
- Gore, J. M., Miller, A., Fray, L., Harris, J., & Prieto, E. (2021). Improving student achievement through professional development: Results from a

- randomised controlled trial of Quality Teaching Rounds. *Teaching and Teacher Education*, 101, 103297.
- Greenlees, L. O., Lara, D. N., Carrizales, D., & Beach, W. (2024). Teacher Candidates' Culturally Responsive Teaching Self-Efficacy and Attributional Development: A Multi-Methods Study. *Teacher Educators' Journal*, 17, 126-152. <https://doi.org/10.3102/2015118>
- Hamedinasab, A., & Jalili, R. (2020). Exploring Faculty Teaching Culture in Narratives of Graduates of Farhangian University, Imam Sajjad Campus, Birjand. *Quarterly Journal of Research in Education and Training*, 4(1), 109-131. [In Persian]
- Hamidizadeh, K. (2022). Exploring Student Teachers' Academic Satisfaction at Farhangian University: A Mixed Study. *Research in Education and Learning*, 19(1), 53-64. [In Persian]
- Hamzehlou, Z., Hyarmohammadiyan, M., & Keshtiaray, N. (2016). Evaluation of student-teachers' lived experiences from acquired knowledge of Art as a curriculum subject in Farhangiyan University according to Eisner's Educational Connoisseurship and Criticism model. *INTERNATIONAL JOURNAL*, 3(2).
- Hattie, J. (2008). *Visible learning: A synthesis of over 800 meta-analyses relating to achievement*. routledge.
- Hoshelsadat, A., Ebrahimi, A., & Molaei, H. (2018). Construction and validation of a faculty performance evaluation questionnaire in Farhangian University: A 360-degree approach. *Educational and Instructional Studies*, 6(16), 85-73. [In Persian]
- Jokar, et al., (2016). Effective Teaching from the Perspective of Faculty Members at Farhangian University, Fars Province: A Qualitative Study. *Scientific-Professional Quarterly of Educational Research*, 2(5), 49-67. [In Persian]
- Kalke, B., & Baranova, S. (2015, May). Image of the University Faculty in the View of Student Teachers. In *SOCIETY. INTEGRATION. EDUCATION. Proceedings of the International Scientific Conference* (Vol. 1, pp. 186-197). <https://doi.org/10.17770/sie2015vol1.319>
- Keidoori, A., Mohammadi Hosseini, S. A., & Soleimani, E. (2019). Students' Perceptions of Teaching Competencies of Faculty Members: A Case Study of Ferdowsi University of Mashhad. *Quarterly Journal of Teaching Research*, 7(4), 107-131. [In Persian]
- Khedive, A., & Seyedkolan, S. M. (2018). Investigating factors affecting teaching quality in Farhangian University: A case study of the campuses in Ardabil province. *Educational and Instructional Studies*, 7(18), 39-70. [In Persian]

- Ko, J., & Sammons, P. (2014). *Effective teaching: A review of research and evidence*. CfBT Education Trust. 60 Queens Road, Reading, RG1 4BS, England.
- Laurillard, D. (2013). *Rethinking university teaching: A conversational framework for the effective use of learning technologies*. Routledge.
- Mahmodi, M., Nasei, S., & Gholiniya, H. (2013). Identifying criteria for evaluating teaching performance of faculty members with emphasizing on engineering teaching. *Journal of Technology of Education*, 7(4), 315–324. [In Persian]
- Makvandi, M. (2020). Examining Factors Affecting the Quality of Education and Teaching at Farhangian University from the Perspective of Student Teachers (Case Study: Khuzestan Campuses). *Semi-Annual Journal of Educational Sciences and Counseling Studies*, 6(12), 2-21. [In Persian]
- Masoumpanah, Z., Tahririan, M. H., Alibabae, A., & Afzali, K. (2017). Evaluation of the Undergraduate TEFL Program at Farhangian University: Merits and Demerits. *Iranian Journal of Applied Linguistics*, 20(2).
- Mastrokourkou, S., Kaliris, A., Donche, V., Chauliac, M., Karagiannopoulou, E., Christodoulides, P., & Longobardi, C. (2022, March). Rediscovering teaching in university: a scoping review of teacher effectiveness in higher education. In *Frontiers in Education* (Vol. 7, p. 861458). Frontiers Media SA. <https://doi.org/10.3389/feduc.2022.861458>
- Mehrara, R., Khorshidi, A., Bakhtiari, A., & Barzegar, N. (2024). Identifying the Competency Model Dimensions of Faculty Members (Case Study: Farhangian Universities in Tehran). *Iranian journal of educational sociology*, 7(2), 132-139. <https://doi.org/10.61838/kman.ije.s.7.2.16>
- Mitchell, J. O. N. (2014). *Perceived Factors of a Quality Student Teaching Experience* (Doctoral dissertation, Appalachian State University).
- Moslahi, L., & Davari, F. (2022). Effective teaching indicators for Farhangian University physical education professors. *Educational and Instructional Studies*, 11(31), 39-61. [In Persian]
- Niemi, H., & Nevgi, A. (2014). Research studies and active learning promoting professional competences in Finnish teacher education. *Teaching and Teacher Education*, 43, 131-142. <https://doi.org/10.1016/j.tate.2014.07.006>
- Rampai, N., & Sopeerak, S. (2011). The Development Model of Knowledge Management via Web-Based Learning to Enhance Pre-Service Teacher's Competency. *Turkish Online Journal of Educational Technology-TOJET*, 10(3), 249-254.

- Sadler, D. R. (1989). Formative assessment and the design of instructional systems. *Instructional Science*, 18(2), 119-144. <https://doi.org/10.1007/BF00117714>
- Salehizadeh, et al. (2020). Providing a Model for Enhancing Professional Teaching Quality of Farhangian University Faculty Members. *Scientific-Research Quarterly of Teaching Research*, 7(2), 227-249. [In Persian]
- Shabani, H. (2024). Educational and Training Skills (Methods and Techniques of Teaching). 42nd Edition. Tehran: SAMT Publications. [In Persian]
- Thomas, J. W. (2000). *A review of research on project-based learning*. San Rafael, CA: Autodesk.
- Topping, K. J. (2005). Trends in peer learning. *Educational psychology*, 25 (6), 631-645. <https://doi.org/10.1080/01443410500345172>
- Tzenios, N. (2022). Learner-centered Teaching. *International Research Journal of Modernization in Engineering Technology and Science*, 4(12), 916-919.
- Yue, Y., Liu, D., Lv, Y., Hao, J., & Cui, P. (2025). A Practical Guide and Assessment on Using ChatGPT to Conduct Grounded Theory: Tutorial. *Journal of Medical Internet Research*, 27, e70122.